

گزارش

کارشناسان و فعالان بازار به دولت برای تعیین نرخ تثبیتی ارز در نرخ‌های بالا هشدار دادند

ایست دلار و سکه تا اعلام تصمیم دولت

● **شرق:** بازار طلا و ارز روز گذشته در واکنش به اخبار مربوط به تمایل جدی آمریکا برای مذاکره با ایران و همچنین رونمایی بسته ارزی روند اصلاحی به خود گرفت. براساس این، دلار از کانال ۱۰هزار تومانی خارج شد و به زیر ۱۰ هزار تومان افت کرد. هرچند نرخ آن هنوز هم نزدیک به همان رقم‌های این چند روز اخیر است اما کارشناسان معتقدند اگر بسته ارزی دولت، نرخ تثبیتی (هرچند در نرخ‌های بالا) را مدنظر قرار ندهد و دست بازار را باز بگذارد، در تنفس ایجادشده در بازار، احتمالاً فشار روبه‌پایین قیمت‌ها را شاهد خواهیم بود. علاوه بر آن بازار سکه نیز دیروز در تخلیه حباب تا ۲۵۰ هزار تومان موفق عمل کرد. براساس معاملات دیروز بازار آزاد تهران، سیر نزولی قیمت‌ها در بازار طلا و ارز درحالی ادامه دارد که قیمت سکه با حدود ۲۵۰ هزار تومان کاهش در دو ساعت به مرز ۲.۵ میلیون تومان رسید. سقوط قیمت‌ها از زمانی که وعده انتشار بسته جدید ارزی دولت داده شد، آغاز شده و درحالی ادامه دارد که بناسبت عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی در اولین گفت‌وگوی هفتی بعد از مسئولیت جدید، از دوربین سیما جزئیات بسته جدید ارزی دولت را به‌اطلاع مردم برسانند. به گزارش تسنیم، برهمین‌اساس، مردم و بازاری‌ها دست از خرید کشیده و منتظرند قیمت‌ها بعد از سقوط، در یک قیمت ثابت شود. صبح روز گذشته در بازار با نرخ سه‌میلیون و ۷۷۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد؛ اما با گذشت دو ساعت بیش از ۲۵۰ هزار تومان ارزان شد و به نرخ سه‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید. همچنین فعالان بازار می‌گویند دلار تا ۹ هزار و ۶۰۰ تومان امکان ریزش دارد و ادامه ریزش قیمت‌ها منوط به اعلام اخبار مثبت از بسته جدید ارزی است.

حال باید دید بازوی دلاری بازار سکه و همچنین سرنوشت غریب دلار با توجه به بسته پیشنهادی ارزی دولت، چه سرنوشتی را در پیش خواهد گرفت. امروز، بازار در تحلیل‌های بسته ارزی، از واکنش خود رونمایی خواهد کرد.

یشم راودی، کارشناس بازارهای مالی در گفت‌وگو با «شرق» هشدار می‌دهد که اگر دولت همچنان کف را هرچند در نرخ‌های بالا در بازار در نظر بگیرد، نرخ اعلامی، کف بازار خواهد بود؛ بنابراین دولت را از انجام چنین عملکردی برحذر می‌دارد.

رادپور در این گفت‌وگو می‌گوید: در هر افزایش هيجانی در بازارهای مالی، بازارها خود را اصلاح می‌کنند. این اصلاح به‌طور طبیعی در بازارهای مالی پس از جابه‌جایی‌های جدی انجام می‌شود. به گفته او، اخبار مثبتی که مبنی بر ابراز تمایل جدی آمریکا برای مذاکره با ایران است هم در روند اصلاحی بازارها بی‌تاثیر نیست.

باین‌حال این کارشناس توجه جدی خود را معطوف به بسته ارزی دولت می‌کند و می‌افزاید: داستان مربوط به سیاست جدید اقتصادی (بسته ارزی) که قرار است از سوی دولت رونمایی شود، سبب ایجاد انتظار در بازار شده و نگاه مثبتی به آن وجود دارد. حال اگر این تصمیم، تصمیم بازارپسندی باشد، بازار نفسی می‌کشد و به آرامش می‌رسد.

به گفته او، به‌هرترتیب، دولت پذیرفته که تصمیمی که درباره ارز چهارهزار و ۲۰۰ تا چهارهزار و ۴۰۰ تومانی گرفته، اشتباه بوده و کارکردی جز ایجاد فشار بر بازار آزاد نداشته است. با این امر، تقاضا و تحریک و عرضه نیز محدود شد و جریان ارزی که در گذشته به‌طور متعارف در کشور وجود داشت، در بدترین زمان ممکن از بازار گرفته شد.

او در ادامه اتفاق‌های رخ‌داده، روایت می‌کند: به همین دلیل، بسیاری از پتروشیمی‌ها و شرکت‌های فولادی علاقه‌مند نبودند که ارز خود را با آن نرخ بفروشند. از سویی بسیاری از واردکنندگان هم علاقه‌مند بودند ارز را با آن نرخ بخرند. همین تمایل در دو جهت مخالف، بازار را قفل کرد و نرخ ارز را به‌شدت افزایش داد. همچنین این امر سبب شد تا حوزه‌های فساد و رانت هم با این سیاست بسیار گسترش یابد. حال اگر این سیاست تغییر کند، بازار می‌تواند روند اصلاحی در پیش بگیرد.

رادپور در ادامه با اشاره به اینکه دولت باید دست از مانی‌تراشی بردارد، می‌گوید: هرچند نمی‌توان از حضور دولت در بازار جلوگیری کرد، به‌هرحال دولت به سبب ارز حاصل از فروش نفت در بازار حضور پرنرگی خواهد داشت و باید آن را به‌هرحال به نحی بفروشد؛ اما اگر دولت بپذیرد که بخش‌های توجهی ارز ناشی از صادرات در بازاری بدون دخالت مستقیم و با اعلام محدودیت دولت، قابل خریدوفروش شود، احتمالاً بازار اصلاح خواهد شد. او هشدار می‌دهد: دولت نباید کف و سقف برای ارز تعیین کند یا محدودیت جدیدی بگذارد. اگر دولت چنین نکند، فشارها روی بازار کم خواهد شد؛ اما اگر دولت بخواد حتی قیمت تثبیتی را روی نرخ بالا بگذارد، آن نرخ، کف بازار خواهد شد و باز هم اوضاع به هم می‌ریزد. این کارشناس تأکید می‌کند: اگر دولت باز هم به‌دنبال تثبیت نرخ در بازار ثانویه باشد، باز هم امیدی به بازار نخواهد بود و آرامش به بازار بازمی‌گردد.

اصلاحات اساسی پیش از قفل‌شدن اقتصاد



وحید شقاقی شهری، اقتصاددان: در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ شاهد افزایش ۲۴۶درصدی قیمت دلار بوده‌ایم. در سال ۱۳۸۹ قیمت دلار هزار و ۹۰ تومان بود. در سال ۱۳۹۰ میانگین نرخ دلار به هزار و ۹۰۰ تومان رسید و در سال ۱۳۹۱ میانگین قیمت دلار سه‌هزار و ۵۰۰ تومان شد. این اتفاق در اقتصاد ایران، نرخ تورم را در سال ۱۳۹۱ به ۳۵ درصد رساند و این به معنی افزایش ۲۰درصدی تورم در مقایسه با نرخ تورم پیشین یعنی ۱۲ تا ۱۳ درصد بود. تجربه آن سال و محاسبات نشان می‌دهد که به ازای هر ۱۰ درصد افزایش قیمت دلار، یک درصد به نرخ تورم اضافه می‌شود. اگر همین حساب سرانگشتی ساده را به امسال تعمیم بدهیم، باید توجه کنیم که در آذر ۱۳۹۶ نرخ دلار چهار هزار تومان بود و درحال‌حاضر قیمت آن بیش از ۱۰ هزار تومان است. به عبارتی قیمت دلار ۱۵۰ درصد افزایش پیدا کرده؛ بنابراین در پایان سال جاری در حالت خوش‌بینانه و در حد ۱۰ درصد بوده؛ بنابراین در پایان سال و در حالت سارپویی خوش‌بینانه به شرطی است که در ماه‌های پیش‌رو شاهد افزایش قیمت دلار نباشیم و نرخ دلار در محدوده ۱۰ هزار تومان حفظ شود. دراین‌بین نباید فراموش کنیم که اثرات تورمی افزایش قیمت دلار به‌تدریج و نه یکباره در اقتصاد اثر می‌گذارد. پس تورم ۲۵درصدی تا پایان سال جاری نیز به‌مرور احساس خواهد شد. در سال ۱۳۹۵ و پیش از بحران فعلی، به نظر می‌رسید که کم‌کم در حال رسیدن به قدرت خرید سال ۱۳۹۰ هستیم؛ یعنی قدرت خرید سال ۱۳۹۰ به سال‌های ۹۰ و ۹۱ کاهش پیدا کرده بود. تا سال گذشته به‌تدریج در حال جبران بود؛ اما اتفاق ناگواری که در یک سال اخیر افتاد، یک شکاف دوباره در قدرت خرید ایرانیان ایجاد کرد و به شرط بهبود شرایط چند سال طول می‌کشد تا بتوانیم به قدرت خرید سال ۹۰ برسیم؛ اما درباره اثرات

دلار ۱۰ هزارتومانی بر اقتصاد ایران بیش‌بینی من این است که در ماه‌های آینده شاهد قفل‌شدن بازار کالا خواهیم بود. منظور از قفل‌شدن بازار کالا این است که میانگین حقوق و دستمزد در بازار کار که درحال‌حاضر در حالت خوش‌بینانه بین دو تا ۲.۵ میلیون تومان در ماه است، فاصله‌ای بسیار زیاد با کالاهایی خواهد داشت که با دلار ۱۰ هزارتومانی وارد یا تولید شده‌اند. این شکاف بزرگ بین دستمزد ریالی با کالاهای یادشده به معنی ازدست‌رفتن قدرت خرید کالاها خواهد بود؛ بنابراین از یک سو بخش عظیمی از جامعه قدرت خرید کالاها را از دست خواهند داد و از سوی دیگر فروشنندگان نیز برای فروش کالا ریسک نخواهند کرد. به این وضعیت به‌اصطلاح قفل‌شدگی بازار کالا می‌گوییم که در چند ماه آینده شاهد آن خواهیم بود. پس از آن پیش‌بینی می‌کنم که این قفل‌شدگی در بازار کالا به قفل‌شدگی در بازار کار نیز بینجامد، یعنی افزایش حقوق ۱۰ تا ۲۰درصدی حقوق‌بگیران در سال جاری بسیار کمتر از افزایش هزینه‌های تجهیزات، ماشین‌آلات و استهلاک خواهد بود. شکاف عمیقی که بین حقوق و دستمزد ماهانه نیروی کار و هزینه‌های تجهیزات، ماشین‌آلات و استهلاک رخ خواهد داد، باعث انصراف نیروی کار از بازار کار خواهد شد. رای مثال یک راننده که درحال‌حاضر روزانه ۱۵۰ هزار تومان درآمد دارد، به دلیل افزایش قیمت خودرو، افزایش قیمت لوازم‌بدکی و هزینه‌های جانی شغل خود متوجه خواهد شد که نسبت درآمدش از شغلش، بسیار کمتر از هزینه‌های آن است و به‌این‌ترتیب نتیجه خواهد گرفت که به‌اصطلاح «نمی‌صرفد» خودروی خود را از خانه بیرون بیاورد و متحمل هزینه‌هایی شود که بیشتر از درآمد اوست. این مثال در واقع وضعیتی است که برای بسیاری از مشاغل دیگر نیز مصداق خواهد داشت و بنابراین برخی مشاغل مجبور خواهند شد از کار دست بکشند. به این وضعیت قفل‌شدگی در بازار کار می‌گوییم. قفل‌شدگی دو بازار کالا و کار در عمل منجر به قفل‌شدگی اقتصاد ایران خواهد شد. به عبارت ساده‌تر اقتصاد ایران کشش تحمل دلار بالای ۱۰ هزار تومان را ندارد. در این وضعیت دولت چاره‌ای جز این ندارد که نرخ دلار را به محدوده هفت تا هشت هزار تومان بکشانند و برای انجام این کار و همچنین حفظ طبقات ضعیف‌تر جامعه از دچارشدن به شرایط بسیار بحرانی انجام چند کار اساسی الزامی است. قدم اول در این راه ملی اعلام‌کردن واردات کالاهای اساسی و ضروری مانند غذا و دارو است.

این واردات باید توسط دولت انجام شود و شرکت بازرگانی دولتی نیز مسئولیت پخش آن را برعهده داشته باشد تا از لشدن دهک‌های ضعیف زیر فشار دلار ۱۰ هزارتومانی جلوگیری شود. اقدام دوم دولت باید انجام برخی اصلاحات اساسی باشد که به سرعت انجام شوند. درحال‌حاضر یارانه نقدی ۴۵ هزارتومانی که دولت اقدام به پرداخت آن می‌کند ارزشی ندارد و دست‌مایه طنز جامعه قرار گرفته است. دولت باید سریع‌ا نسبت به حذف یارانه سه دهک بالای جامعه اقدام و سریع‌ا و به شیوه پلکانی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان به یارانه پنج دهک پایین‌درآمدی جامعه اضافه کند. منابع این اقدام باید از طریق اصلاح فوری نظام مالیاتی فراهم شود. پنج پایه مالیاتی، مالیات بر عایدی، مالیات بر ثروت، مالیات بر مجموع درآمد، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر خروج سرمایه و ثروت مهاجران و مالیات تصاعدی بر مصرف سوخت، مالیات‌هایی هستند که دولت‌ها در دهه‌های گذشته به دلایل مختلف نسبت به آن بی‌توجه بوده‌اند و شبکه فساد اجازه ورود دولت‌ها به این بخش‌ها را نداده است. ورود دولت به این بخش هم‌زمان باعث کاهش سودبازی و جلوگیری از خروج سرمایه‌ها از کشور شده و درآمد دولت را نیز افزایش می‌دهد تا دولت به‌راحتی

اقتصاد



عکس: عرفان کویاری، تسنیم

جبران عقب‌ماندگی دستمزد کارگران قانون شود

قفل‌شدگی کار و کالا

محمد مساعد: روز گذشته نوشتیم که فقط پنج ماه پس از پایان جدال چندماهه بین نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت در شورای‌عالی کار بر سر تعیین حداقل دستمزد‌های سال ۹۷، شوک تورمی حاصل از افزایش نرخ ارز تمام آنچه را در پنج سال گذشته برای رساندن قدرت خرید مزدبگیران به وضعیت پیش از سال ۹۰ انجام شده بود، بر باد داد. در شماره دیروز نظر نمایندگان کارگری و کارفرمایی را دراین‌باره خواندید. آنچه در ادامه می‌آید، نظرات یک اقتصاددان و یک پژوهشگر حوزه کار و تأمین اجتماعی است که هر یک از نقطه‌نظر خود تلاش کرده‌اند راه‌حلی را برای خروج از وضعیت فعلی پیشنهاد کنند. راهکارهایی که به گفته وحید شقاقی شهری اگر به کار گرفته نشوند، می‌توانند به قفل‌شدگی اقتصاد منجر شوند.

توان تأمین منابع افزایش یارانه پنج دهک پایین جامعه را داشته باشد. دولت درحال‌حاضر ۱۱۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی دارد که با توجه به اتفاقات اخیر اقتصاد ایران و در صورت انجام این اصلاحات تا ۲۵۰ هزار میلیارد تومان قابل افزایش است. هم‌زمان با این اقدامات، آزادسازی ارز نیز باید در دستور کار دولت قرار بگیرد و صرافی‌ها باید به چرخه بازار ارز بازگردند. این بسته‌ای است که الزاما نه توسط اقتصاددانان، بلکه توسط تیم مدیریتی منسجم و قوی در دولت باید انجام شود و این سه، چهار جراحی مهم با اولویت‌بندی به اجرا دربیایند. مطمئناً مبارزه با فساد و ایجاد شفافیت، صدای فریاد بسیاری را بلند می‌کند و مقاومت‌هایی نیز در برابر آن صورت می‌گیرد. اما اگر قصد خروج از وضعیت فعلی وجود دارد، چاره‌ای جز تحمل این فشارها و مبارزه جدی با شبکه‌های درهم‌تنیده فساد وجود ندارد. اگر در این شرایط دولت عافیت‌طلبی پیشه کند و دست به این اصلاحات نزند، ادامه شرایط فعلی منجر به قفل‌شدگی اقتصاد ایران خواهد شد.

افزایش «دستمزد اسمی» برای رسیدن به «دستمزد واقعی»

فرشاد اسماعیلی، پژوهشگر حقوق کار و تأمین اجتماعی: در روند شکل‌گیری حقوق کار، در ابتدا کارفرمایان مالک مطلق و صاحب‌اختیار کارگاه و متعلقات کارگاه بودند. در این مقطع از حقوق کار، کارگر نیز به‌عنوان بخشی از متعلقات کارگاه و جزء ماملک کارفرما به حساب می‌آمد. این دوره دوره‌ای بود که حقوق کارگر ذیل شاخه «حقوق خصوصی» تعریف می‌شد و مباحث مربوط به شرایط کار، از جمله «دستمزد» نیز تابع شرایط صاحب‌اختیار کارگاه تعیین می‌شد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت و داشتن انصاف عرفی، مالک کارگاه دستمزد کارگر را بر اساس شرایط بازار تعیین می‌کرد و دستمزد کارگران تابعی از عرضه و تقاضا در بازار بود. به واسطه مبارزات کارگران، شرایط تغییر کرد و کارگران توانستند عدالت اجتماعی را به سیاست‌گذاران برای قانون‌گذاری بقبولانند. حقوق کار از ذیل شاخه حقوق خصوصی خارج شد و با هدف ایجاد توازن بین شرایط کار کارگر و کارفرما و کاهش تضاد کار و سرمایه ذیل «حقوق عمومی» قرار گرفت. با قرارگرفتن حقوق کار ذیل حقوق عمومی، دولت‌ها موظف به حمایت از کارگران در جهت کاهش این تضاد شدند. درخصوص دستمزد کارگران نیز، «رف نیازهای اساسی کارگر و خانواده‌اش» بر «رعایت سازوکارهای اقتصادی قیمت کار» مقدم شد. دستمزد در حقوق کار ایران نیز تحولات زیادی را از سر گذرانده است. اما امروز درخصوص دستمزد کارگران با دو مقوله «دستمزد اسمی» و «دستمزد واقعی» مواجه هستیم. «دستمزد اسمی»، همان مزدی است که کارگر در برابر فروش نیروی کارش به کارفرما با سازوکار عرضه و تقاضا در بازار و اغلب بر اساس شاخص‌های تورم یا سبب معیشت تعیین می‌شود. اما «دستمزد واقعی» بر اساس میزان کالاهایی که کارگر می‌تواند با حقوق خود تهیه کند تعریف می‌شود. در شرایطی که مزد اسمی برای یک سال کاری تعیین شده، اما بهای کالاها و خدمات مورد نیاز کارگر (اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و ...) به دلایل شرایط بد اقتصادی رو به افزایش است و فاصله «دستمزد اسمی» و «دستمزد واقعی» کارگر بیشتر می‌شود. ساده‌است که در صورتی که هزینه زندگی کارگر و گرانی کالاها و خدمات اساسی موجب عدم تأمین نیازهای اساسی کارگر شود، مزد دریافت‌شده کارگر ناعادلانه خواهد بود. در شرایطی که نوسانات ارزی بر ارزش پول واقعی کارگران اثر مستقیم می‌گذارد، مزد اسمی اگر همراه با تدابیر اقتصادی برای مهار و کنترل قیمت‌های عمومی نباشد، قدرت خرید کارگران کم شده و این یعنی مزد آنها غیرواقعی است.

در کتاب «مزد» انتشارات دفتر بین‌المللی کار درخصوص کاهش قدرت خرید کارگران به دلایل مختلف، از جمله تورم اشاره شده است. در این کتاب مرجع گفته شده: «در بیشتر موارد افزایش مزد اسمی به‌خاطر جبران کاهش ارزش پول است که خود این کاهش بر اثر تورم پدید آمده است». بنابراین ثابت‌ماندن «مزد اسمی» در یک سال کاری

تلاش آنها بوده است. باوجوداین سال ۹۷، دلار با قیمت چهارهزار و ۹۹۰ تومان آغاز شد و فعلاً نرخ دلار در بازار غیررسمی نزدیک به ۱۱ هزار تومان رسیده است. این یعنی رشد ۱۲۰درصدی. حالا بسیاری از نمایندگان به فکر افزایش مجدد دستمزد افتاده‌اند؛ درحالی‌که روند این افزایش‌ها هم پیش‌بینی‌پذیر بود و هم از سوی بسیاری از فعالان حوزه کارگری برای اعمال در جانه‌زنی‌های بیشتر یادآوری شده بود. امروز ضرورت تعیین دستمزد منصفانه به اندازه‌ای که کفاف زندگی کارگر و خانواده‌اش را بدهد، دیگر یک اصل انتزاعی برآمده از مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار نیست بلکه ضرورتی عینی برای جلوگیری از بیچارگی فرودستان مزدبگیر است. با روند اتخاذشده در این سال‌ها، جنبه‌های اقتصادی «دستمزد اسمی» به جنبه‌های اجتماعی «دستمزد واقعی» تفوق داشته، حتی توجه بیشتر به فاکتور «سبب معیشت» در کنار فاکتور «نرخ تورم» در سال‌های اخیر هم نتوانسته زندگی یک خانواده کارگری را از طریق دستمزد تأمین کند. ویژگی عمومی‌بودن و رعایت اصل حمایتی‌بودن حقوق کار ایجاب می‌کند که دولت‌ها در چنین مواقعی در افزایش دستمزد‌ها مداخله نکنند. مداخله‌نگردن دولت در ترمیم دستمزدی بیشتر از آنکه با حمایتی‌بودن حقوق کار منطبق باشد، با نظام عرضه و تقاضا سازگار است. حتی اگر دولت معتقد به همین نظام عرضه و تقاضا جهت تعیین دستمزد باشد، باز هم ضرورت ترمیم دستمزد ایجاب می‌کند که افزایش دستمزد‌ها را عملی کند؛ چراکه بر اساس فاکت نظام عرضه و تقاضا نیز دستمزد کارگران غیرواقعی است. یکی از راهکارهای ترمیم دستمزد این است که عقب‌ماندگی‌های دستمزدی سال‌های جنگ و سال‌های تورم و کاهش ارزش پول ملی در سال ۹۷ از طریق «قانون‌گذاری» تأمین شود. روبه فعلی افزایش دستمزد اسمی کارگران صرفاً رسیدن به تورم و جبران بخشی از سبب معیشت، آن‌هم بر اساس سال گذشته است. دولت باید لایحه‌ای را تدوین کند و در آن عقب‌ماندگی‌های دستمزدی کارگران را - حتی نه به‌صورت یکجا بلکه به‌صورت پلکانی و فصلی- جبران کند تا در مدتی متعارف دستمزد‌های کارگران حداقل به افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و تورم و کاهش ارزش پول ملی در این سال‌ها برسد. روند و سازوکار فعلی افزایش دستمزد سالانه نه‌تنها نمی‌تواند عقب‌ماندگی‌های دستمزدی این سال‌ها را جبران کند بلکه یکی از قطعات فرایند سرکوب مزدی شده است. راهکار عملی این است که دولت برای جلوگیری از فروغلتیدن کارگران حداقل‌بگیر به زیر خط فقر مطلق، لایحه‌ای جهت جبران عقب‌ماندگی‌های دستمزدی این سال‌ها تهیه و به فوریت به مجلس جهت تصویب و اجرا از همین فصل دوم سال ۹۷ تقدیم کند، تا شاید بخشی از کاهش قدرت خرید کارگران در سال‌های گذشته و به‌ویژه امسال جبران شود.

خبر

احتکار مرغ از سوی مرغ‌داران تأیید شد

● **رئیس انجمن پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی** گفت: ستاد تنظیم بازار قیمت مصوب هر کیلوگرم مرغ را هشت‌هزار و ۱۷۵ تومان تعیین کرد؛ اما قیمت واقعی مرغ براساس هزینه‌های تولید ۹هزار و ۵۰۰ تومان برای مصرف‌کننده نهایی است. محمد یوسفی، رئیس انجمن پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی، در گفت‌وگو با تسنیم اظهار کرد: ستاد تنظیم بازار براساس دستور ریاست‌جمهوری مبنی بر افزایش حداکثر ۱۰درصدی قیمت‌ها، حداکثر قیمت مرغ گرم را برای مصرف‌کننده در سال جاری هشت‌هزار و ۱۷۵ تومان با احتساب ۹ درصد افزایش قیمت تعیین کرد؛ اما این قیمت مورد قبول ما نیست. او در پاسخ به اینکه چرا مرغ در میادین میوه و تره‌بار توزیع نمی‌شود، گفت: قیمت مرغ در میادین میوه و تره‌بار فقط با قیمت دستوری هشت‌هزار و ۱۷۵ تومان ستاد تنظیم بازار قابلیت عرضه دارد؛ اما مرغ‌داران حاضر به فروش محصولات خود به این قیمت نیستند، به‌همین‌دلیل مرغ در اختیار میادین قرار نمی‌گیرد (با مقدار کمی آنجا عرضه می‌شود).

پرداخت ارز مسافرتی متوقف شد

● پرداخت ارز مسافرتی توسط بانک‌های عامل متوقف شده و پرداخت جدید با اجرای بسته جدید ارزی به نرخ ارز بازار ثانویه پرداخت می‌شود. به گزارش فارس، دیگر پرداخت ارز مسافرتی توسط بانک‌های عامل پرداخت نمی‌شود. با توجه به اینکه از فردا سیاست‌های جدید ارزی اعلام و اجرایی می‌شود، پرداخت ارز مسافرتی با نرخ رسمی (هم‌اکنون چهارهزار و ۴۰۰ تومان) دیگر انجام نمی‌شود و پرداخت به روش جدید پس از اعلام سازوکار جدید ارزی عملیاتی می‌شود. براساس سیاست‌های جدید ارزی، پرداخت ارز مسافرتی مطابق با نرخ ارز معاملاتی در بازار ثانویه خواهد بود. به گزارش فارس، بانک مرکزی از ۲۱ فروردین ماه تا ۲۳ تیر ماه حدود ۳۱۲ میلیون دلار ارز مسافرتی پرداخت کرده که با یک حساب ساده مشخص می‌شود مابه‌التفاوت ارز بازار و ارز رسمی (در صورتی که متوسط نرخ ارز غیررسمی را هفت هزار و ۵۰۰ تومان در نظر بگیریم) هزار و ۲۹ میلیارد تومان است.

آسیاتیل
تلفن ثابتِ نسل نو!!!



دارنده مجوز FCP به شماره ۱۶-۹۴-۱۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

۱۵۴۴

asiatech.ir

آسیاتیل